

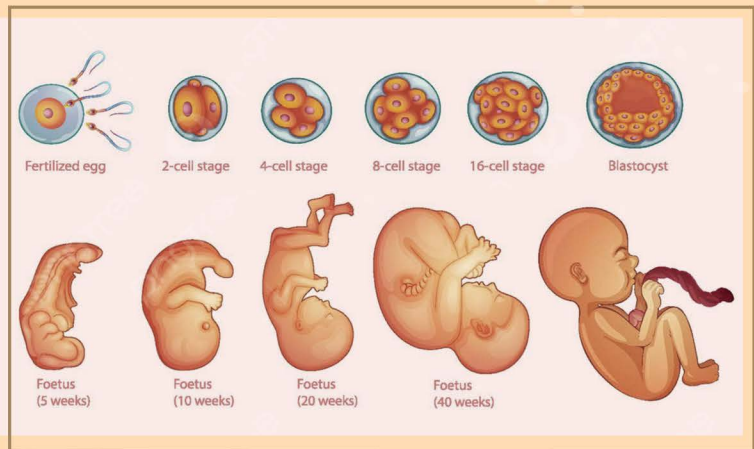
جمعیت و خانواده



یکی دیگر از عوامل، شیء‌انگاری جنین است. از نظر طرفداران آزادی سقط، جنین یک شیء بی‌ارزش است که می‌تواند تکه‌تکه و دور انداخته شود. کارکنان نظام سلامت در زمان دادن جواز سقط و یا انجام آن، کل دانش جنین شناسی خود در مورد این انسان کوچک شگفت‌انگیز که در هر ثانیه و با سرعت عجیب برای رشد و زندگی خود در تلاش و تکاپو است را از یاد می‌برند و مادر نیز با سرکوب فطرت انسانی و عواطف مادری خود، دست به قتل فرزند بی‌دفاع خود می‌زند.

از دیگر عوامل مؤثر بر ترویج سقطجنین، ایجاد قبح و هراس نسبت به هرگونه بارداری ناخواسته، پرخطر دانستن آن و نیز بیماری انگاری بارداری در نظام سلامت و جوامع مختلف است. بیماری انگاری بارداری آن را از یک پدیده طبیعی که در دوره‌ای از زندگی زن رخ می‌دهد، به یک بیماری با خطرات جسمی و هزینه‌های مختلف مالی، اجتماعی، شغلی و... برای مادر و خانواده تبدیل کرده است.

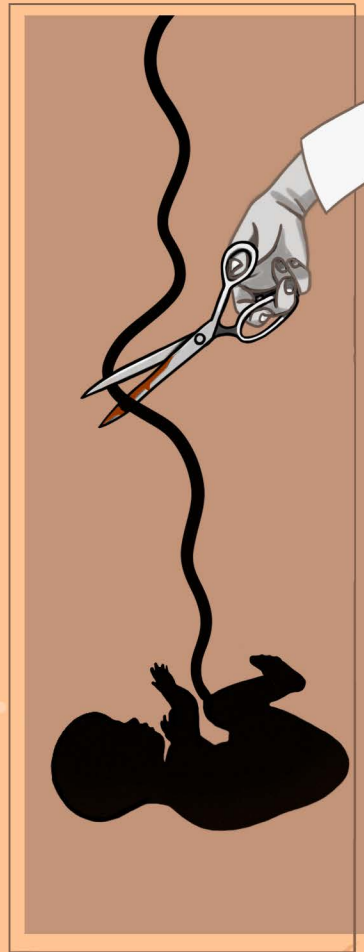
لازم است تلاش برای حفظ حق حیات جنین، برای همه ملت‌ها و دولت‌ها به یک مطالبه بین‌المللی انسان‌دوستانه تبدیل شود. بارداری ایمن، حق همه مادران و بخصوص مادران نیازمند مراقبت بیشتر است. اقدام دولت‌ها برای کاهش هزینه‌های مالی، اجتماعی، روانی و... بارداری و فرزندآوری مورد انتظار است.



سقط عمدی جنین مسئله ایست که با دیدگاه اخلاقی و نیز آموزه‌های ادیان مختلف، مغایرت جدی دارد و در همه تاریخ در جوامع انسانی مذموم بوده است. یکی از آثار سوء سبک زندگی مدرن قبح‌زدایی و عادی‌سازی و حتی ارزشمند جلوه‌دادن سقطجنین است. عادی، رایج و حتی قانونی شدن این جنایت اخلاقی و انسانی، در برخی کشورها محصول عوامل مختلفی است.

یکی از عوامل آن، رواج افکار افراطی است که جنین را بخشی از بدن مادر و تصمیم در مورد انتخاب حیات یا مرگ فرزندش را حق او می‌داند.

طرفداران این رویکرد، به بهانه دفاع از حقوق زنان، به خشن‌ترین شکل ممکن بنیادی‌ترین حق بشر را از یک انسان دیگر، که چه‌بسا خود یک دختر باشد، سلب می‌کنند.



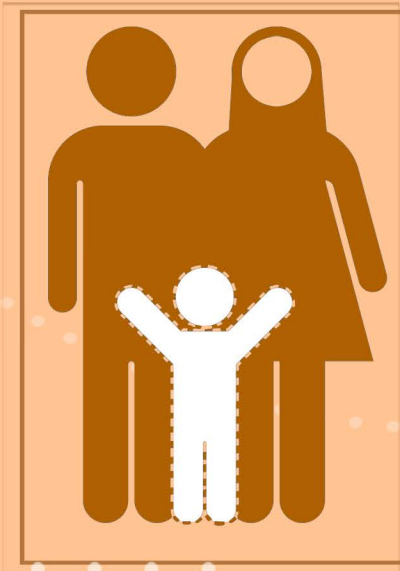
یکی از مسائل مهم در خانواده، روابط فرزندان در خانواده و حمایت آنان از یکدیگر در قالب روابط خواهر و برادری است. این روابط منجر به رشد توانمندی‌های فرزندان در بستر تعامل و شراکت در داشته‌ها (از جمله عواطف) می‌شود. تعدد فرزندان با ایجاد روابط متنوع خانوادگی، بستر شکوفایی توانمندی‌های آنان را بیش‌ازپیش فراهم می‌کند.

نقش خانواده‌های چند فرزندی در تقویت هوش اجتماعی، بخصوص در سال‌های کودکی و نوجوانی، با سایر بسترهای اجتماعی قابل‌جایگزینی نیست. فرزندان این خانواده‌ها در سال‌های بعد، نه تنها از نظر شخصیتی در مواجهه با تکان‌ها و حوادث محیطی تاب‌آوری بیشتری دارند، بلکه در این مواقع از حمایت‌های بیشتری نیز برخوردارند.

در دوران سالمندی نیز مهم‌ترین سرمایه فرد، داشتن خانواده بزرگ و حمایتگر است. در جوامعی که خانواده گسترده و حمایتگر هستند، بار مالی و اجرایی دولت‌ها در حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه، به‌ویژه سالمندان کمتر است. دولت‌ها می‌توانند با تشویق خانواده‌ها به فرزندآوری و تسهیل آن و نیز تبیین تبعات بی‌فرزندگی و تک‌فرزندگی، جوامع را به سمت داشتن خانواده‌های گسترده سوق دهند.

یکی از مؤلفه‌های مؤثر بر جوانی جمعیت موضوع نابرابری است که با شیوع بالای آن در جوامع مختلف رویه‌رو هستیم. اقدامات پیشگیرانه در موضوع نابرابری نسبت به درمان‌های کمک‌باروری هزینه‌اثربخش‌تر، کارآمدتر و زودبازده‌تر هستند.

از آنجاکه افزایش سن ازدواج و تأخیر در فرزندآوری دو عامل کلیدی شیوع نابرابری هستند، تلاش برای اصلاح الگوی ازدواج و فرزندآوری، ترویج سبک زندگی سالم-تحرک بدنی (physical activity)، تغذیه سالم (healthy diet)، پرهیز از سیگار (tobacco use)، الکل و... و نیز اقداماتی چون کاهش آلودگی‌های محیطی در اولویت است. در تشخیص و درمان نابرابری نیز تدوین گایدلاین‌های تشخیصی و درمانی و حمایت از درمان نابرابری و تسهیل آن ضروری است. متأسفانه، تنظیم خانواده (family planning) در بسیاری از کشورها در طی سال‌ها، نتایج منفی داشته است؛ چرا که به حد خارج از اعتدال و شکل نادرست به‌صورت «محدودکردن شدید تعداد فرزندان و کاهش بُعد خانوار» در سیستم بهداشتی و افکار عمومی ترویج شده است.



با بررسی شواهد آشکار می‌توان دریافت که تنظیم خانواده در بسیاری از کشورها با اجباری پنهان (و بعضاً آشکار) کم‌فرزندی و بی‌فرزندگی را به خانواده‌ها تحمیل کرده است. گاه خانواده‌ها به دلایل طبی نادرست و غیرعلمی توسط سیستم بهداشت و درمان، از فرزنددار شدن نهی می‌شوند. محدودکردن بازه سنی مجاز برای بارداری به ۱۸ تا ۳۵ سال، فاصله‌گذاری بیش از حد بین بارداری‌ها، القا، آسیب‌زا بودن تعدد بارداری برای سلامت زنان و برچسب اجتماعی داشتن بیش از تعداد مشخصی فرزند، از آن جمله هستند.

همچنین تنظیم خانواده با خود فرهنگ «نامطلوب بودن هرگونه بارداری برنامه‌ریزی‌نشده» (unplanned preg-) را به همراه آورد. این فرهنگ در ذهن خانواده‌ها داشتن فرزند

خارج از برنامه‌ریزی همجانبه را تقبیح کرد و والدین را به ازین‌بردن فرزند خود از طریق سقطجنین سوق داد.